1999
5

بارہ ہفتمی از رسالہ

لمعۃ البدریۃ بلمعات البدر

الحمد للہ کہ رسالہ فتاوی مشتمل بر اکثر مسائل کلامیہ از افادات

جناب مولانا الاعظم ملاذ افاضل الامم الحبر الہمام النحریر القمقام

مفسر حقایق التنزیل بدقائق البیان مؤسس مبانی

التاویل بمبانی التبیان حلال المشکلات الدینیہ کشاف المعضلات بالدلائل

الیقینیہ عمدۃ المتکلمین قدوۃ المناظرین فخر الفضلاء سلطان العلماء المستند الاوحد

اعنی السید محمد لازالت شموس افاداتہ لامعۃ واقمار افاضاتہ بازغۃ

باہتمام اضعف العباد سید اصغر حسین در مطبع مجمع البحرین

بحلیہ انطباع محلی شد ۱۲۸۲

بسم اللہ الرحمن الرحیم

الحمد للہ رب العالمین والصلوٰۃ والسلام علی محمد وآلہ اجمعین

استفادہ آنچہ نواصب میگویند کہ جناب پیغمبر خدا ﷺ در مرض موت خود ابوبکر را بامامت نماز نصب فرمودہ خود ہم مع علی علیہ السلام عقب او نماز گذاردند آیا صحیح است یا بہتان وعلی الاول آیا ابوبکر قابلیت امامت وشرایط آن کہ ایمان وعدالت ہست داشتہ باشد یا اینکہ نماز جماعت عقب فاسق کما زعم النواصب جایز باشد وکلاہما عندنا ممنوعان ونیز طعن تخلف ابوبکر از جیش اسامہ مرتفع کردید چہ این حکم ناسخ حکم سابق باشد وعلی الثانی کذب این روایت ثابت فرمایند **جواب** اولا مضمون ناموس ساختن

ساختن رسول خداﷺ ابوبکر را بنماز اگرچه در روایات اہل سنت وارد ایت
لکن روایات ایشان بر اہل حق حجت نیست اثبات این مطلب از کتب شیعہ
عہدہ اہل سنت لازم ہست نہ اینکہ اثبات کذب بر ذمہ اہل تشیع لازم باشد
فانہ خروج عن داب المناظرۃ علاوہ برانیمضمون اقتدا کردن جناب رسالتماب
برابی بکر نزد محققان اہل سنت نیز محقق نگشتہ قال شارح المشکوۃ ملا علی
القاری وزعم ان ابا بکر کان ہو الامام والنبیﷺ ہو مقتدی بہ غلط وقال
الطیبی ان الصواب ان النبی ہو الامام ودر دیگر کتب اہل سنت نیز تضعیف
این مضمون مسطور است وثانیاً روایات مطاعن ومثالب اخبار سے
کہ ایمان ایشانرا سالب است معارض آنست پس با آن اخبار و روایات
کہ در کتب فریقین موجود ہست کذب روایت عامہ با ثبات میتوان رسید
وثالثاً از روایات عامہ وخاصہ معلوم میشود کہ امر ابوبکر بنماز از طرف
عایشہ صادر گشتہ ورسول خداﷺ ہرگاہ بہوش آمدہ در ہمان حال ضعف
وناتوانی برای رفع توہم بہزار جر ثقیل خودرا بہ مسجد رسانیدہ ابے
بکر را از محراب راندہ خود نماز گذاردہ اند پس چگونہ روایت سابقہ
مقبول خواہد شد جناب سید مرتضی علم الہدی علیہ الرحمۃ والمغفرۃ

ان خبر الصلوة او لاخبر واحد ثم ان الامر بها او الاذن فيها وارد من جهة عایشة
ولیس بمنکر ان یکون الاذن صدر من جهتها لا من جهة الرسول ع وقد
دل اصحابنا علی ذلک بشیئین احدهما قول النبی علی ما اتت به الروایة
لما عرف بتقدم ابی بکر فی الصلوة وسمع قرائته فی المحراب انکن بصویحبات
یوسف والخروجه متحاملا من الضعف معتمدا علی امیر المؤمنین ع والفضل
بن العباس الی المسجد وعزله لابی بکر عن المقام واقامة الصلوة بنفسه
وهذا یدل دلالة واضحة علی ان الاذن لم یتعد عائشة الی رسول الله ع
وفقره انکن بصویحبات یوسف چنانکه سید مرتضی علم الهدی علیه الرحمه
افاده فرموده دلالت بر مذمت از ازواج دارد وقطع نظر ازین ورود روایت
بواسطه عایشه در صحاح وغیر صحاح آنرا از درجه اعتبار ساقط میکند واحتمال
تقول وافترای وجر نفع او برای خود و پدر خود قائم است وروایت او
بر شیعه اصلا حجت نمی تواند شد جای تعجب است که شهادت جناب امیر ع
وحسنین وام ایمن ورباب فدک مقبول نباشد وشهادت عایشه در حق پدر
موثوق ومقبول باشد با آنکه حال عایشه اینست که از روایات اهل سنت
نیز کذب او ظاهر میشود وصاحب روضة الاحباب از عائشه نقل میکند که

که گفت پیغمبر مرا برای دیدن زنیکه خواستگاری او منظور بود فرستاد
دیدم و برگشتم و بحضرت رسالت صلعم گفتم چیزی ندیده ام که بکار آید فرمود که به
تحقیق بر رخساره اش خالی دیده که از رشک گیسوهای تو لرزنده گفتم
یا رسول الله صلعم که می تواند که از تو چیزی پنهان دارد

استفتاء

در زمان خلفای ثلثه آیا جناب امیر المؤمنین علی علیه السلام نماز جمعه و عیدین
می گذاردند یا نه و در صورت اول خود امامت می کردند یا عقب خلفای
جور میگذاردند اما اینکه خود امامت میکردند پس از دو حال خالی نیست یا
با استرضای خلفای جور امامت میکردند یا بدون آن و فی کلیهما نظر
لان الاول مناف للبغض التشاجر الذی کان منهم والثانی مناف
للتقیة و در صورت دوم یعنی اینکه عقب خلفای جور میگذاردند ایضا
یحتمل الوجهین لان اقتدائه ع بالخلفاء اما کان لجواز الاقتداء خلف
الفاسق بل الکافر و هو حرام و فاسد و اما کان للتقیة فهل یعیدها ام لا
لان یسقط الجمعة و غیرها مع فقدان الشرایط فلما لم یفسد صلوته
خلف هؤلاء الفسقة و اما القول بالترک فمستبعد عقلا لانه ع
کیف یترک الجمعة و العیدین الی ثلثة و عشرین سنة بینوا توجروا

جواب احتمال گذاردن نماز جمعه و عیدین پشت سر خلفای جور
از روی تقیه احتمالیست صحیح که مفسده بر آن مترتب نمیشود و توهم
فساد نماز و یا سقوط وجوب در آن گنجایش ندارد بعلت آنکه فساد نماز
خلف الفاسق مشروط است بعدم ضرورت و آن در مقام تقیه مفقود
جمعه و عید در حال فقدان شرایط در صورتیست که مظنه ضرر در
ترک نباشد و هو فی المقام موجود علاوه آنکه احتمال اعاده و عدم نیت
اقتدا و قصد نافله متطرق است پس از ادای جمعه و عید با اهل خلاف
در مقام تقیه اشکال مرتفع است **استفاده** مسموع میشود
که میت را مردمان بزمین می سپارند به مدت معینه جهت نقل جنازه
بجای دیگر آیا این تفویض اصلی دارد یا نه و اگر اصلی دارد قیاس بر آن
تفویض مجروح به ماهتاب که بعض عوام می کنند هم رواست یا نه
بینوا توجروا **جواب** اصل این قسم بیرون خواه بزمین بسپارند
و خواه به ماهتاب و مانند آن شرعا اصل ندارد و اگر این چیزها را ذوی العقول
موثر دانند این افعال را روا نخواهد بود **استفاده** بجواب طعن
سنیان درباره تزویج جناب ام کلثوم سه تقریر بنظر حقیر رسیده یکی

یلی انکار تزویج را بسبب روایت زبیر ابن بکار که مخالف و معاند جناب
امیر علیه السلام است دوم فرستادن جناب امیر علیه السلام جنیه را بعقد
عمر سیوم تسلیم تزویج بدلیل تزویج جناب رسالت پناه صلعم دختران
خود را بکافران و نیز فرمودن جناب لوط علی نبینا و علیه السلام کافران را
بنات هن اطهر لکم آدم بر آنکه هر دو جواب یعنی اول و ثانی نسبت بشیعیان
بس است اما مخصم سنیان نمی تواند شد تا که از کتب معتمده ایشان بثبوت
نرسد کما هو داب المناظرة و جواب سوم بلحاظ طعن مورخین فرقه حقه
بلکه بعض مورخین فرقه سنیه مثل طبری وغیره بر نسب عمر و موجب خجالتها
ست چه زاده حرام لیاقت تزویج دختر جناب سیده علیها السلام ندارد امید
که جواب باصواب بنهجیکه مسکت سنیان و مزیل خجالت شیعیان
باشد مرقوم قلم فیض توام کرده در صورت کذب این تزویج نام زوج
جناب ام کلثوم ع که بروایات معتبره ثابت شده باشد ارقام فرموده شود
جواب اولا تزویج جناب ام کلثوم به ثبوت نرسیده و چنانچه
روایتی از اخبار آحاد تزویج منقول گشته همچنین روایتی مشتمل
بر فرستادن جنیه نیز نقل شده و جزم به هیچ یک حاصل نیست وان

اخبار احاد واصول ثانیه را برهم نمیتوان زد اما اینکه نوشته اند که هردو جواب اول وثانی بشیعیان لبس است اما سنیان نمیتوانند شد تا کلاز کتب معتمده ایشان بثبوت نرسد کما هو داب المناظره پس کلامیست خارج از داب مناظره چه شیعیان اگر بر اهل سنت ایرادی نمی گرفتند مدعی امری میشدند اثبات آن بر عهده شان لازم میشد اینجا امر بالعکس است که سنیان ایراد بر شیعیان می کنند و میخواهند که بچنین روایات غیر معتمده بریشان حجت گیرند تا باشد که باین حیله اختلالی در بنیان مرصوص مطعونیت خلفای خود راه دهند پس اینها مدعی وقوع تزویج اند و بر ظاهر است که مقابله ادعای شان بمنع موافق قوانین مناظره است نه مخالف آن **وثانیا** بر فرض تسلیم روایت مذکوره استناد اهل سنت باآن درست نمی شود چه شیعیان قائل بعصمت ائمه علیهم السلام هستند وافعال واقوال ایشانرا حجت میدانند و اعتقاد این امر دارند که برای هریکی از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین صحیفه بوده و حکمی از احکام که درباره شان نازل شده از آن خارج نبوده و در اکثر وقایع حضرت امیر علیه السلام احکام غریبه ارشاد میکرد که تکلیف دیگران نبود

نبود که بچنین احکام اقدام نمایند و ضرور نیست که سر جمیع احکام و افعال و
اقوال آنحضرت بر همگنان ظاهر شود پس مادامیکه در براهین اصل عصمت
و حجیت اقوال و افعال آنحضرت بجثی سوجه پیدا نکنند بچنین روایات
و فع اصول ثابته ایشان نمیتوانند کرد و نیز جواز تزویج مؤمنه با کافر از قول
لوط علیه السلام و تزویج جناب رسولخدا ص فی الجمله ظاهر است پس منطنه قبح
عقلی که قابل تخصیص و استثنا نباشد زائل گردید و باقی ماند عمومات وارده
در شریعت مصطفویه که دلالت بر نهی از این امر علی الاطلاق دارد پس
بمفاد ما من عام الا و قد خص تخصیص آن با علل الضرورة والمصالح الشرعیه ممکن
است و هرگاه جناب رسالتماب ص بخطاب العائشه فرموده باشند لولا ان
قومک احدث عهد بالجاهلیت لامرت بالبیت ان یهدم و بلغت به اساس
ابراهیم و بنا بر مصلحت عدم ارتداد از بنای کعبه مشرفه دست بر داشته باشند
اگر بنا بر چنین مصلحتی در آنوقت حضرت احکام کفر بر نصاب جاری نفرموده
باشند چرا جای تعجب باشد و بودن خلیفه ثانی زاده زنا بر کفر معنوی
و ناصبی بودن او مزیتی ندارد چه در شریعت غرا تزویج با کفار حرام است
یا با ولد الحرام غیر حرام بلکه مکروه است و کسانیکه زاده زنا را کافر دیده اند

غایت امر مثل آن خواهد بود که بسبب کفر او مانع از تزویج شوند پس چو اهلیه
از حرمت تزویج با کفار خواهد بود مثل آن بلکه بهتر از آن درین باده میتوان
گفت **استفاده** در بعض روایات دیده شد که جناب امیر علیه السلام
هنگام غصب خلافت فرموده بودند که اگر چهل مرد مؤمن با من متفق میبودند
جهاد با غاصبان خلافت میکردم از انجا مناقب اصحاب صفه که جماعت کثیر بودن
از تفاسیر ثابت میشود عرضه میدهم که اینها شریک جناب امیر علیه السلام
بودند یا نه اگر شریک بودند جناب امیر علیه السلام جهاد چرا نفرمودند و اگر
اینها شریک نبودند جای منقبت و مدحت ایشان چیست **جواب**
همه اهل صفه علی العموم ثابت نیست و بر تقدیر تسلیم چونکه مراد از چهل مؤمن مؤمن
کامل اند که صاحبان عزیمت درست و همت استوار باشند که در معارک
مردآزما قدم ثبات شان از جا بجنبد و در اوقات امتحان و آزمایش های
استقامت اعتقاد و انقیاد شان بتمویهات اهل باطل نلغزد همچنانکه در
معرکه کربلا درین داهیه عظمی جان نثاران خامس آل عبا علیه الالف التحیة
والثنا داد ثبات قدم دادند و در عرصه وفا با معرکه غنا بهیه رنگ در آمدند
که ذکر جمیل ایشان یادگار سے انس ایشان باقیماند پس مطلق ایمان و

مدح اگر برای اہل صفہ ثابت باشد از ایشان بثبوت اینچنین صفات لازم
نمی آید پس وجود شان اگرچہ موافقت او لقیا بجناب امیر علیہ السلام باشد مستلزم
وجوب جہاد بر آنحضرت نخواہد شد لکونہ معلقا علی وجود اشخاص مخصوصین
موصوفین باذکرنا من الصفات واللہ العالم **استفادہ** در ہدایت الہدایت
مذکورست بحرمت تجویز الناصب بالمؤمنۃ وبالعکس درینصورت درباب تزویج
دختران ائمہ با نواصب مثل تزویج حضرت سکینہ با مصعب بن زبیر وسے علی
ہذا القیاس تزویج امام محمد تقی علیہ السلام دختر مامون را چہ ارشاد
میشود **جواب** تزویج حضرت سکینہ با مصعب باجازت حضرات ثابت نیست
با آنکہ بعض روایات وفات شان در صغر سن ظاہر میشود و تزویج حضرت
بدختر مامون از کجا کہ در حال ناصبیت او بودہ و مخالفت مذہب مستلزم
نصب نیست **استفادہ** حضرت امام رضا قطع نظر از علم امامت
باوصف خبر دادن پیغمبر خدا و دیگر ائمہ علیہم السلام بانیکہ مامون آنجناب
را زہر خواہد داد چرا ترد او رفتند و علاوہ بر آن چرا خرمای زہر آلود
تناول فرمودند **جواب** تکلیف ائمہ را بر دیگران قیاس نمیتوان
کرد و در ہر وقت و در ہر حال موافق اوامر الٰہی کہ در بارہ ایشان

صادر شدہ تقیہ وغیر تقیہ کارِ نبد شدند **استفادہ** در غزوہ احد وحنین
وادی آتر مل حضرت سلمان فارسی وابوذر ودیگر صحابہ مؤمنین رضی اللہ عنہم حاضر
بودند یا نہ ودرصورت اول شریک اصحاب فارہ بودند یا شریک جناب
پیغمبر خدا صلعم جواب ارشاد فرمایند **جواب** ہر کسیکہ ایشانرا در جملہ فارین
محسوب نماید اثبات این امر بر ذمہ او لازم است ومشارکت ایشان
در جمیع این غزوات معلوم نیست ودر بعض اگر ثابت شود مفارقت شان
از رسول لہٰذا معلوم نشدہ **استفادہ** امام زاکہ مثل نبی از قبل اللہ
منصوب علی الامۃ است درصورت فقدان اعوان وانصار از مخالفین
وغاصبان خلافت ومدعیان امامت تقیہ جایز بلکہ واجب است پس
باید کہ انبیا رانیز درصورت کذائی تقیہ جایز باشد وہو خلاف المشہور
زیرا کہ حضرت نوح وحضرت ذکریا ویحیی چرا تقیہ نفرمودند **جواب**
علی العموم نفی تقیہ از جمیع انبیا و جمیع ازمنہ واقوال ثابت نیست
بلکہ در اکثر جاہا عمل بر تقیہ فرمودہ اند قال البیضاوی فی ذیل قولہ تعالیٰ
ولبثت فینا من عمرک سنین وفعلت فعلتک التی فعلت وانت
من الکافرین فانہ علیہ السلام کان یعایشہم بالتقیۃ قال ابن بابویہ فی ۱

فی کمال الدین فان قالوا فاذا جوزتم للامام ان یجحد امامته اعدائه عند
الخوف فهل یجوز للنبی ان یجحد نبوته عند الخوف من اعدائه
قیل لهم قد فرق قوم من اهل الحق بین النبی و بین الامام بان قالوا
ان النبی هو الذی الی رسالته والمبین ذلک للناس بنفسه فاذا جحد ذلک
وانکره علی التقیة فبطلت الحجة ولم یکن احد یبین عنه والامام قد قام
له النبی له بحجته و ابان امره فاذا سکت وجحد کان النبی قد کفاه
ذلک ولیس هذا جوابنا ولکنا نقول ان حکم النبی و حکم الامام سیان
فی التقیة اذا کان قد صدع بامر الله وبلغ رسالته و اقام المعجزات
فاما قبل ذلک فلا و قد محی النبی اسمه من الصحیفة فی صلح الحدیبیة
حین انکر سهیل بن عمرو وحفص بن الاحنف نبوته فقال لعلی ع
امحه الی آخر ما قال **استفاده** در باب منازعه عباس بن
عبد المطلب با حضرت امیر المؤمنین ع چه ارشاد میشود **جواب** اگر
این منازعت منازعت حقیقی بوده پس لا محاله حق بطرف جناب امیر
بوده است و نزاع عباس از راه جحد حق یا التباس بوده باشد فان
علیا سلام الله علیه مع الحق و الحق مع علی یدور معه حیث ما دار کما ورد فی جملة

من الاخبار واگر منازعت حقیقی نبوده بلکه علی و عباس صورت منازعت
را برای تنبیه والزام مثل منازعت ملکین نموده او علیه السلام ظاهر کرده باشند
کما تضمنه حکایة هشام پس این منازعت دلالت بر مبطل بودن یکی از طرفین
نخواهد داشت **استفاده** در مقدمه عبدالله بن سبا چه ارشاد میشود
جواب عبدالله بن سبا غالی ملعون بوده علامه حلی رح در خلاصه میفرماید
عبدالله بن سبا بالسین المهملة والباء المنقطة تحتها نقطة واحدة غال ملعون
حرقه امیر المؤمنین ع بالنار کان یزعم ان علیا علیه السلام اله وانه نبی
لعنه الله انتهی وفی روایة هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله ع یقول وهو یحدث
اصحابه بحدیث عبدالله بن سبا وما ادعی من الربوبیة فی امیر المؤمنین ع
فقال انه لما ادعی ذلک فیه استتابه امیر المؤمنین ع فابی ان یتوب فاحرقه
بالنار وباین مضمون احادیث متعدد وارد گشته والله اعلم **استفاده**
منکر امامت کافر است یا نه وعلی الثانی منکرین امامت حضرت امیر ع هم
کافر نباشند وعلی الاول درباره محمد بن حنیفه ومختار بن ابی عبدالله
وعبدالله افطح وجعفر بن علی نقی ع وغیره چه حکم میشود آیا اینها
منکر امامت ائمه زمان خود بودند کما هو مزعوم النواصب یا نه جواب

جواب منکر امامت هرگاه بر همان حال بمیرد در آخرت مخلد فی النار
ست و لات حین مناص پس آنها و کفار بحسب آخرت در یک حکم باشند
در دار دنیا بحسب ظاهر محکوم باسلام و اگر تائب شود و توبه او مقرون
باخلاص باشد پس محکوم بحکم ایمان و ناجی از نیران خواهد بود و از رجال
مذکورین کسانیکه تائب شده اند ناجی و ممدوح اند محمد بن حنیفه
و جعفر بن علی رض استفاده حضرت مسلم بن عقیل و هانی بن
عروه چرا ترک تقیه فرموده شهادت اختیار کردند و ترک وجوب العمل
آوردند جواب برای هر دو بزرگوار مقام تقیه چه بود دشمنان
دین در پی قتل ایشان بودند و عذر ایشان را مقبول نداشته مقتول
کردند فعلیهم لعنت الله ابد الآبدین و علیهما رحمة رب العالمین استفاده
شخصی اشیای زید دزدی نموده بر دو شخص دیگر همان اشیای را که
را شناخته دزدیده حواله زید نمود پس درینصورت آنشخص را ثواب
گردید یا گنه کار شد جواب شخص ثانی گناه گار نیست بلکه ماجور است
والله اعلم سوال اگر در مجالس بسبب کثرت ناس کفش شخصی گم
شود و بجایش کفش دیگر افتاده یا بدو و در نگرفتن کفش سطر و م

مذکور تهتک آنکس متصور در ینصورت چه کند **جواب** اگر معلوم
شود که این فعل با قیمانده مال سارقست از روی مقاصه متصرف بران
میتوان شد و اگر معلوم نشود پس ظاهر احکم لقطه برآن جاری خواهد شد
و احتراز از تهتک حفیت باستعاره از غیر منصوص بیست و الله یعلم **لقطه**
بالضم چیز انداخته شده بر چیده شود و وقت پیدا شدن بصاحبش باد و بر سد
منتخب **سوال** اگر کافری چیزی نقد و جنس و غیره نذر جناب ائمه معصومین
کند که آنرا طعام پخته تقسیم کند و او کسی دیگر برا زر نقد و غیره بدهد و گفته
دهد که این طعام پخته تقسیم کرده دهد اگر آنکس آن زر و جنس را به مؤمنین و
محتاجین بلا پخت شده تقسیم کند درست است یا نه **جواب** احوط آنست
که بر طبق گفته مالک بعمل آرند و الله یعلم **سوال** چه میفرمایند اندرین مسئله
که در صیغ نکاح دائم و منقطع و طلاق بلفظ بکلمات عرب در شرایط
صحت عقود مذکورین است یا نه و اگر کسی مخاطب بزن در فارسی یا هندی
بگوید مکرر که ترا طلاق دادم بمقابله عدلین طلاق صحیح خواهد بود یا نه
جواب نکاح و متعه و طلاق هر سه در زبان غیر عربی ظاهر آنست
که صحیح باشد و لکن احوط آنست که بعربی نیز بگوید و الله یعلم

واللہ اعلم **سوال** چہ میفرمایند علمای دین اندرینصورت کہ شخصی زوجہ منکوحہ خود را در حال غیظ و غضب و خشم پیش چند کس طلاق داد آیا درینصورت زوجہ مطلقہ شد یا نہ و بعد چندی کہ رفع ملال شد باز میخواہد کہ باو رجوع نماید ہرچہ ارشاد شود **جواب** تا وقتیکہ اختیار باقیست غیظ و غضب مانع صحت عقود و ایقاعات نمی تواند شد آری اگر در اجتماع شرایط صحت تطلیق خللی شدہ باشد از آنجہت فاسد خواہد بود والا فلا **سوال** در ایام تعزیت امام علیہ السلام علمہا بر داشتہ از جائی بجائے نقل نمودن و اسباب جلوس ہمراہ داشتن و تمن و طنبور و دہل وغیرہ نواختن جایز است یا نہ **جواب** علم برداشتن و اسباب جلوس ہمراہ گرفتن ہرگاہ معین بر گریہ و بکا بودہ باشد باسے نعے ندارد دیگر نواختن طنبور وغیرہ جایز نیست واللہ اعلم **سوال** وزن درہم شرعی چہ مقدار و وزن مثقال چہ قدر و وزن رطل بحساب ہندوستان چہ قدر **جواب** درہم قریب دو ماشہ و دو سرخ اندک زیادہ تقریبا و مثقال شرعی و دینار برابر است و آن سہ ماشہ و دو سرخ تقریبا و رطل عراقے یکصد و سی درہم است **سوال** زید فوت گردہ وارثانش منحصر اند در دو زوجہ منکوحہ و دو دختر و سہ پسر آیا صورت

تقسیم شرعی بابت ترکه زید بچه قسم خواهد شد بینوا توجروا **الجواب** ثمن بهر
دو زوجه و باقی باولاد للذکر مثل حظ الانثیین میرسد والله اعلم
سوال کنیزیکه زن فاحشه از مال پیشه خود بهم رسانیده است بکسی تحلیل وطی
او تواند کرد یا نه بینوا توجروا **الجواب** اگر از مال حلال خریده است میتوان
گردد الا هرگاه خود مالک نباشد تحلیل او بچه کار می آید والله اعلم **سوال**
زن فاحشه که توبه کار از پیشه خود گردیده زر و زیور و حویلی و کنیزک دارد
اما ازین اشیا در راه خدا صرف تواند کرد یا نه بینوا توجروا **الجواب** اگر از
وجوه حرام جمع کرده پس اگر مالکانش را میداند آنها را برآنها رد کند واگر
نمیداند از طرف شان تصدق کند **سوال** اگر در مسجد قدری کجی معلوم
شود نماز در آن مسجد بها نظر نخوانیم یا رعایت کجی نموده بخوانیم **جواب**
اگر انحراف از قبله ثابت شود مراعات قبله واجب خواهد بود والله اعلم
سوال کسانیکه وضع موسیقی نمیدانند لیکن لهجه خود را پیش صاحبان
آن فن درست نموده مرثیه وغیر آن را در لهجه میخوانند یا انیکه بطریق لهجه
آواز موسیقی میخوانند درین هر دو صورت اجتناب از استماع واجب است
جواب مادامیکه بحد غنا نرسد مضائقه ندارد بلکه حسن صوت مامور به

مامور به است والله تعلیم **سوال** کسانیکه در علم موسیقی مهارت تمام دارند
بلکه مطربان وغیره آن آنها اوستاد این فن میدانند و آنها کلام الله و منقبت
وغیره آنرا میخوانند و صاحب شناسان این فن مثل مطربان وغیره آن
میگویند که انهها در موسیقی که آنرا در زبان عرب غنا و در فارسی سرود
و در هندی راگ میگویند میخوانند و نیز آنها خود معترف اند که ما در موسیقی
میخوانیم پس درانصورت از استماع آن اجتناب واجب است یا نه و در
بعض فتوی چنان نوشته دیده ایم که اکثر مراثی وغیره آن بدون تحریر
مطرب بخوانند و در عرف آنرا غنا و سرود گویند اجتناب کنند آیا مراد از
عرف همین است که صاحب شناسان این فن مثل مطربان آنرا غنا
گویند **جواب** هرگاه ترجیع و تحریر داشته باشد حرام است و اگر رعایت
عرف عام در ما عدای آن نیز بکنند احوط است والله تعلیم **سوال**
چه میفرمایند علمای اهل شیعه و اهل سنت در این باب که عشره محرم که برای
گریه و بکا شبیه تابوت حضرت امام حسین علیه السلام میسازند بنا بر بکا و تعزیت
از یک تعزیت خانه بعزا خانه دیگر می برند و بموجب حکم پادشاه اسلام این
امر مروج بود و رعایای پادشاهی بر این امر ماذون شده باشند

و بتاکید اکید از جانب پادشاه اسلام ممانعت شده باشد که احدی از رعایای
در صدور اینقسم رسم مصدر فساد و فضایا نشود اگر کسی از اهل سنت و
جماعت خلاف حکم حاکم بر شبیه تابوت که جماعتی از فرقهٔ شیعه منجمله رعایای پادشاه
اسلام به حیث ملازمان شاهی که بنا بر محافظت و انسداد فساد متعینه بوده باشند
از رهگذری می برند کلوخ اندازی نمایند و تف اندازند و از صدور اینحرکت
مردم همراهیان تابوت نظر بر هتک عزت و ابروی خود و تابوت بنظر اهانت و هتک
عزت شبیه تابوت امام ؑ استدعا نمایند که بانی اینحرکت را بسزا رسانند و
تشهیر سازند شرعا جائز است یا نه اگر پادشاه اسلام نظر بر اینکه از اینشخص
نهایت هتک عزت و اساءت ادب نسبت بشبیه تابوت سبط رسول الانام
بعمل آمده و نیز حرکت خلاف حکم والی ملک بظهور رسیده و انکس از اینحرکت
ناشایسته باعث مفسدهٔ عظیم حتی که نوبت قریب بقتل و خون فیمابین
رسیده نظر براین وجوه پادشاه اسلام را میرسد که آنشخص را تشهیر و یا حبس
دائمی کند باستحقاق هر سزائیکه در رای پادشاه اسلام مناسب متصور
میشود میدارد یا نه بینوا و توجروا **الجواب** قال الله تبارک و تعالی ومن
یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب یعنی کسیکه تعظیم نماید چیزهای

چیزهائی را که علامت و شعایر عبادت الهی است پس آن تقوی و پرهیزگاری دلهاست بنابرین کریمه چنانچه تعظیم نقل کعبه معظمه و روضه منوره طیبه و نعلین مبارک و مانند آن بر اهل اسلام لازم و متحتم است هم چنین تعظیم نقل ضرایح مقدسه اهل بیت طاهرین و نقل تابوت و غیره شعایر تعزیه داری برکافه اهل اسلام واجب و لازم است اهانت آن منجر باستخفاف آنحضرت است و اهانت ایشان مستلزم اهانت بجناب رسالت مآب است العیاذ بالله منها قال رسول الله من اکرم اولادی فقد اکرمنی و من اهانهم فقد اهانتی یعنی کسیکه تعظیم اولاد مرا پس متحقق که مرا تعظیم کرده است و هر که اهانت ایشان نماید اهانت من کرده پس کسیکه مرتکب اهانت باموذکوره شود تعزیر او بتادیب و نفی بلد و اهانت آنکس واجب و لازم است تا باعث عبرت دیگران و موجب سداد ابواب فتنه و فساد شود والله الهادی و حرر ذلک سنة تسع واربعین بعد الالف و مائتین من الهجرة **سوال** اگر شخصی در سفر باشد و غلبه شهوت باشد یا در حضر باشد زن زانیه را بطلبد برای منفعه از وی پرسیدن اینکه بعد آمدن خون حیض کسی از تو زنا کرده است یا نه ضرور است یا نه و تحقیق این لازم است یا نه پس اگر او بگوید بلکه قسم یاد کند که بعد آمدن خون

حیض کسی بمن وطی نکرده است بر گفته او اعتبار کند یا نه و اگر درین مسئله جبر علم از راه احوط باشد قسم احوط را ارقام فرمایند بینوا توجروا **جواب** عدم علم بعد که کافیست تفحص ضرور نیست لکن هرگاه زنان از جمله مشهورات بزنا باشد متعه و نکاح با او کراهت شدید دارد والله یعلم **سوال** کبوتر بازان با خود قرار میکنند که اگر کبوتر تو بخانه من بیاید من ندهم و اگر بخانه تو کبوتر من برود تو مده پس اگر کبوتر یکدیگر گرفته بفروشند بیع آن صحیح است یا و از گرفتن کبوتر یکدیگر بموجب قرارداد مقرره گنه می شود یا نه در صورت گنهگار شدن این گنه از جمله حقوق الناس است **جواب** این معامله مطابق بقوانین شرعیه ندارد و جای مواخذه است و بحق الناس نیز تعلق دارد والله یعلم **سوال** جناب سیدنا و مولانا مجتهد العصر مقتدای زمان قبله و کعبه معتقدان زاد اجلاله بعد لوازم واجب عرضه میدهد چون استفتاء این مستفتی بدین عبارت مزین بدستخط خاص گردید که اگر فی الحقیقه از اولاد ائمه ع چنین کسی باشد حالش مثل حال پسر نوح ع خواهد بود والله یعلم قبله من از این دستخط و لجمعی بنده بطوریکه میخواستم نمیشود چه اینکه سوال من اینست که سید سنی میشود یا نه و از سنی چه

چه مراد است اگر سید سنی دشمن اهلبیت ع را میگویند پس از اکثر احادیث ثابت
میشود که دشمن اهلبیت نمی باشد مگر ولد الزنا و از رباعی مشهوره که اینست

رباعی دوش دیدم چون حسین را بر بلا ۔ گفتم ای شاه شهید کربلا ؛
سید سنی هم از نسل شماست ؛ گفت لا و الله لا و الله لا ؛

نیز مستفاد میگردد که بنی فاطمه سنی نمی باشد پس از روی احادیث معتبره درین باب آنچه که
پیش جناب ثابت است و محقق باشد ارشاد فرمایند و در مسئله دوم که یک
حکم شد در صورت کفر شرف نسبی بکار نمی آید و الله العلیم قبله من بشر عاصی
کافر بمیست و از صدور کدام فعل اطلاق کفر میگردد و کافران مخلد نار
خواهند بود و یا امید نجات آنها هم مثل عاصیانست و مقلد کفار نیز حکم کفار
دارند یا نه مفصلا و مشرحا ارشاد فرمایند **جواب** بسم الله و بالله سیادت
بحسب نسب می باشد و ایمان و عدم ایمان بحسب اعتقاد میتواند شد
که سید سنی و فاسد العقیده باشد لکن سیادت برای او نفعی
ندارد و وجودش کالعدم است چنانچه کریمه انه لیس من اهلک در حق پسر
حضرت نوح ع دلالت بر نفی شرافت نبوت نبی از و دارد و شاید
کلام شاعر همین مراد باشد نه اینکه سنی اصلا سید نمی باشد معهذا

شعر دشاعر برا در مسایل دین چه مصرف وسنیان اگر چه در باطن همه دشمنان
اهل بیت اند لکن بعضی ناصبی معلن بعداوت اهل بیت میباشند وبعضی
مبطن عداوت وظاهر مراد از بعض احادیث که دلالت دارد بر آنکه دشمنان اهل بیت
اولاد زنا میباشند اینست که اکثر مردانیکه اظهار و اعلان عداوت مینمایند
از اولاد زنا یا شرک شیطان بهم رسیده اند واین حکم هم بر سبیل کلیت نیست
بلکه بنا بر اکثریت و اغلبیت است و بمفاد ما من عام الا وقد خص اکثر عمومات
تخصص میباشند وشاید این حکم مخصوص بقاتلان ائمه دین باشد یعنی
کسانیکه مرتکب قتل ایشان بدست خود شده اند یا اعم از قاتل وساعی
فی القتل لکن درینصورت باز بنا بر اکثریت خواهد بود وکافر کسی است که
منکر یکی از ضروریات دین باشد یا مرتکب امری شود که باعث خروج او
از اسلام باشد ومثل زنار پوشیدن وناقوس زدن وبت پرستیدن و
تعظیم بتان کردن ومانند آن والله یعلم سوال جناب امام حسن علیه السلام
باندک اکراه معویه بیعت معویه قبول فرمودند وجناب امام حسین با وصف
تحمل مصائب بیشمار بیعت یزید ملعون قبول نفرموده شربت شهادت
نوشیدند وعلما بکفر یزید ومعویه هردو قایل اند پس جواز بیعت یکی و

وعدم جواز بیعت دیگر براوجهی معلوم نیست آیا ائمه هدی ع بتکلیف واحد
مکلف بودند یا بتکلیف جدا **جواب** چنانچه تکالیف انبیاء بحسب تفاوت
مصالح در حکم متفاوتست که جمعی از ایشان ع مامور بجدال وقتال ودبرخی
از ایشان مامور بهدایت وارشاد لسانی فقط وبعضی مبعوث بزدات
خود وبس وبعضی دیگر مبعوث بر بعض وبعضی بر کل وبعضی مامور بذبح
ولد بوده اند وبعضی نه بلکه بنسبت نبی واحد هم در اوقات مختلفه تکالیف
مختلف شده مثل استتار فی الشعب فی الغار والهجرة وجهاد در غزوه بدر
با قلت انصار وصلح در حدیبیه با کثرت یار ومددکار الی غیر ذلک همچنین تکالیف
ائمه هدی ع نیز وبرای هر یکی از ائمه دین ع ببین صحیفه بوده که تکالیف
شان مرقوم بس صلح اضطراری امام حسن ع در وقت اکراه معویه
که در حقیقت مثل اکراه یزید بوده هم بامر الهی بود وجهاد امام حسین علیه السلام
هم بامر الهی **سوال** در صورتیکه نسبت زید با هنده مقرر شده باشد
که در هندوستان آنرا منگنی گویند وهنوز صیغه نکاح واقع نشده آیا دیگر
طرفین محکوم بحکم نکاح میتوانند شد **جواب** دختر یا ولی او اختیار دارد
با هر کس که خواسته باشد نکاح بکند زید را اختیار بر نکاح نیست و نسبت

شرعا اعتبار ندارد **سوال** با قول العلماء رحمهم الله زید برادر حقیقی خود عمرو نام و یک برادر زاده مسمی سلیمان و یک زوجه و دو دختر گذاشت و همه مذهب امامیه دارند درینصورت با وجود دختران که ذوی الفروض اند به عمرو وغیره که از اعصاب اند حصه میرسد یا نه و زوجه زید را از اراضی وغیره از قسم عقار که متروکه زید باشد نصفی خواهد رسید یا نه بینوا توجروا **جواب** هرگاه دختران موجود اند دعوی عصبه در مذهب حق امامیه باطل است و زوجه ذات الولد علی المشهور شریک وارث است در زمین و عقار والله العالم **سوال** چه حکم میشود درینصورت که شخصی بشهری فوت کرد و او را باین عزم در صندوق نهاده سپرد زمین نمودند که بشهری دیگر برده دفن سازند **جواب** نقل میت بعد دفن اگرچه بقصد امانت باشد خصوصا هرگاه نقل بغیر مشاهد مشرفه مطلوب باشد ظاهر آنست که جایز نباشد والله یعلم **سوال** اگر نعش را بعزم مرقدیم در صندوق داشته بالای زمین بجای محفوظ امانت نهند **جواب** هرگاه دفن فی الارض صادق نیامده چنانکه بالای زمین که صندوق را به خشت وا چیده باشند پس اگر بیه از خشت ترک دفن احتمال اثم دارد لکن نقل درصورت عدم استلزام

استلزام مثله شدن نیست مضایقه ندارد و الله یعلم **سوال** اگر پدر شخصی
با زنی وطی بحرام نماید یا که لمس و مس و نظر به شهوت از روی حرام کند یعنی
بغیر عقد دائم یا منقطع امور مذکور واقع شوند چنین زن بر آنشخص حرام است
یا نه **جواب** موطوئه پدر بر پسر حرام است و اشهر حرمت منظوره و ملموسه
پدر بر پسر است هرگاه بشهوت بوده باشد **سوال** سینه زنیکه در عشره ماه
محرم بلکه در جمیع مجالس تعزیه جناب سید الشهداء علیه الاف التحیة و الثنا مینمایند
آیا واجب است یا سنت و یا مباح و یا مکروه یا حرام و در صورت ثبوت
یکی از ثلثه اول هر یک از تفرلیطش به نحویکه مسمی آن صادق آید و افراطش
بحدیکه با نشقاق جلد و یا غشی بعضی از اهل مجلس انجامد کدام حکم از احکام خمسه
خواهد داشت بینوا توجروا **جواب** هرگاه ضرر بر آن مرتب شود حرام است
والا اگر از جهت اعانت بکا بعمل آرند خالی از رجحان نخواهد بود والا رسمی است
که بعمل می آرند ثواب بی نخواهد داشت و الله یعلم **سوال** زید را از
زوجه خود چنانچه اتفاق افتاده که درمیان هر دو شخص گفتگوی بیطور میماند
چنانچه زوجه خود را از خود گفته بعد از مدتی عزم مراجعت با او نموده پس
حکم شرع درینصورت چیست **جواب** ظهار بودن دو شخص عادل متحقق

نمیشود توبه و انابت ازین کلمات نمایند و نکاح سابق باقی است دیگر حاجت
هیچ چیز نیست لکن قبل مراجعت و وطی اگر کفاره بدهند احوط است و کفاره
ظهار بنده آزاد کردن است و اگر ممکن نباشد روزه دو ماه پیاپی نگهدارد
و اگر نشود اطعام شصت مسکین والله اعلم **سوال** چه میفرمایند علمای
دین و مفتیان شرع متین اندرینصورت که زید شیعه مذهب زینت دختر
خود را بعمرو که مذهب اهل سنت دارد در صورت غیر امکان اجتناب سوا فق
مذهب اثنا عشریه که مراد از صیغه است نکاح کرده داد و در مدت العمر فیما
بین خلوت صحیحه واقع شده پس درینصورت زنا واقع شده یا نه بینوا
توجروا **جواب** در حال جهل مسئله که وطی درچنین نکاح بوقوع آمده
در حکم وطی شبهه شده است زنا نیست و آینده اجتناب آنزن از ناکح
مذکور حتی الامکان لازم است و چون مسئله اختلافیست احوط آنست
که ناکح مذکور را بر خلع و طلاق راضی کرده مفارقت جوید والله اعلم
سوال حضرت شهربانو را ذوالجناح در کدام جا برده بود و بعد از
چند عرصه تشریف آوردند **جواب** روایات در حال حضرت شهربانو
مختلف وارد گشته بعضی از آن دلالت میکند بر انیمعنی که جناب ایشان

ایشان سواره ذو الجناح راه میرفتند تا اینکه بدریای فرات رسیدند و خود را
در آن انداختند و از بعضی چنان دریافت میشود که در جزیره از جزایر
رسیدند و اصح روایت اینست که ایشان داخل اسیران حرم محترم بوده
وهمراه ایشان بشام رفته بودند **سوال** نکاح جناب سیده در کدام سال
و کدام ماه و کدام روز و کدام وقت و بچه مهر شده است **جواب** در روز
اول ذی الحجه و بروایتی در تاریخ سیوم آن و بقولی در روز سه شنبه
ششم ذی الحجه بوده در سال دویم یا سیوم هجرت و حق تعالی بهشت و
دوزخ را مهر آن حضرت گردانیده که دوستان خود را داخل بهشت گرداند
و دشمنان خود را داخل جهنم و خمس دنیا و چهار نهر در مهر آنحضرت قرار داده
که نهر فرات و نیل مصر و نهروان و نهر بلخ باشد و جناب سولخدا پانصد درم
مهر آنحضرت مقرر فرمودند و آن سنتی برای امت خود قرار دادند تا امت
آنحضرت بآن جناب پیروی نمایند و امر بر ایشان مشکل نگردد و پانصد درم
شرعی بحساب هندوستان قریب یکصد و هفت روپیه سکه میشود و مقصود
ازان آنست که فقرا و اغنیای امت آنحضرت در نیاب پیروی آنحضرت
نمایند که دلهای فقرای مؤمنان تنگ نشود **سوال** حضرت قاسم

در معرکه کربلا همراه جناب امام حسین ع شهید شدند یا نه و نکاح ایشان از
کبری در کربلا شده است یا نه **جواب** در شهادت حضرت قاسم ع در
معرکه کربلا شکی نیست و حال دامادی آنحضرت ع در اکثر کتب احادیث
بنظر نرسیده لکن در کتاب فخری و دیگر کتب معتمده تواریخ موجود است
والله یعلم **سوال** هنده زوجه یزید پلید محب جناب امام ع بود یا نه **جواب**
تعرض بتفصیل احوال هنده مذکوره در کتب معتمده ننموده اند مگر بعض روایات
دلالت بر محبت او فی الجمله نسبت باهل بیت اطهار علیهم السلام وارد و بهر
حال اگر اعتقادات حقه داشته محبتش باعث نجات او خواهد گردید
والله العالم بالعباد **سوال** اگر کسی نزد شخصی مبلغی امانت داشته باشد
و استیذان نه استیجار در صرف مبلغ امانت بطریق استقراض بعمل نیاورده
باشد پس عند الضرورت شخص امانت دار یا محول الیه از مبلغ امانت
حاجت روائی خود میتواند کرد باین نیت که باز در مبلغ امانت آنچه گرفته است
شامل کرده زر امانت را مکمل سازد پس گرفتن زری برای چند روز
از مبلغ امانت مذکور جایز است یا نه **جواب** اگر اذن فحوای حاصل باشد
مضایقه ندارد و الا جایز نخواهد بود والله یعلم **سوال** چه میفرمایند

بیفرمایند اندرین صورت که زنی در صحبت رقص و سرود که در اکثر مستورات
شهر میشود بتقریبی رفته بود هنگام سرود کردن بعض مطربات را که دو منی
ها گوینده چهار آنه و هشت آنی که ربع و نصف روپیه میشود بطریق انعام
که آنرا بیل میگویند متواتر داد بعد از آن زن مذکوره را ضرورتی
واقعی شد یکروپیه داده چهار چوانی از رقاصه و مطربه باز گرفت بطور
بدل و عوض و همان نقد را در صرف خود آورد مثلاً به کاغذ و غیره که
شوب پارچه نمازی نموده بود نزد ادلیس چنین زر که باحتیاج
صرف کرده در کاغذ و غیره و در اجرت داده از همچنین پارچه که بابت شوب
آن اجرت از نقد مذکوره داده نماز صحیح است یا نه و عبادات در چنین
پارچه جایز است یا نه **جواب** چون مال خود انکس بود که واپس گرفته
دران وجه حرمت معلوم نمی شود آری دادن عوض در چیزیکه استعمال واقعه
آن شرعا حق آنکس بود بی وجه است مگر در صورت آنکه اجرت
فعل حرام نباشد والله اعلم **سوال** گواهی پسر زوج در حق
مادر به وجه عند الشرع مقبول است یا نه **جواب** مسموع است هرگاه
دیگر شرایط شهادت در او مجتمع باشد والله اعلم **سوال** در ایام محرم

که صنود برای زیارت می آیند پیش شربت سبیل از دست هنود با آنها نوشانیدن
چه حکم دارد **جواب** اگر شربت نذر باشد سوای شیعه بکسی ندهند و الا
نوشانیدن آن بکفار ممنوع نخواهد بود **سوال** بجز ذوات پاک چهارده
معصوم علیهم السلام دیگر بر کسی معصوم میتوان گفت یا نه چنانچه مردم اطفال
خورد سال را معصوم میگویند یا مرد ساده لوح را معصوم یا معصوم
صفت میگویند آیا غیر چهارده معصوم را معصوم گفتن جایز است یا نه
جواب معصوم علی الاطلاق غیر حضرات انبیا و ائمه هدی علیهم السلام کسی
دیگری نیست مگر آنکه منصوص باشد مثل جناب سیده صلوات الله علیها
و عصمت مقیده و مجازیه در دیگران نیز محقق میباشد و عصمت حقیقیه مطلقه
مخصوص انبیا و اوصیاء است **سوال** شخصی را استخاره خوب آمد
و از کدام سبب خواه و عمداً بر آن عمل نکرده درینصورت آنشخص معذب است یا نه
جواب گناهگار نیست مگر آنکه استخفاف باستخاره کرده باشد **سوال**
چه میفرمایند علمای دین امامیه که آبا و اجداد زید مذهب اهل سنت دارند
لکن زید بذات خود مذهب امامیه اختیار کرد بدل اعتقاد بر اصول خمسه
میدارد مگر اعلان تبرا بسبب کفو برادری نمیکند حالا مقدمه عبدالله برادر

برادر زاده اش در عدالت امامیه رو بکار شد عبد الله مذکور از قاضی عدالت میگوید که بدون تبرا روبکاری مقدمه زید نخواهم کرد چرا که من و زید هر دو مذهب سنی داریم و زید انکار از مذهب اہل سنت کرده میگوید که من مذهب اثنا عشری دارم مگر بجهت کفو برادری تبرا نمیکنم پس در صورت مذکوره قاضی علمای امامیه را میرسد که بر قول عبد الله از زید تبرا کنانیده مقدمه اش و بکار ساز دیا باقرار مستغیث زید فیصله مقدمه او موافق مذهب امامیه کند بینوا توجروا **جواب** حاکم شرع شیعی را سماعت مقدمه شیعه و سنی درست است لکن گاه است که حکم شرعی در باب سنی و شیعه مختلف میباشد اگر بنا بر تحقیق مذهب منظور نیست باشد بر آنچه مدعی خلت و تحقیق مذهب دارد تفتیش میتواند کرد و اگر اعلان بسبب موانع متصور نباشد باخفا و کتمان دریافت سازد والله یعلم **سوال** مشهور است که حضرات ائمه علیهم السلام از جمیع انبیا علیهم السلام افضل اند مگر از پیغمبر ما در مذهب مختار جناب هم همین است یا نه **جواب** بلی همین است **سوال** شخصی گناهان کبیره و صغیره بسیار کرده و تائب شده بعد توبه باز بمقتضای بشریت مرتکب معصیت کرده

و باز توبه نمود درینصورت توبه ثانی و ثالث جایز است **جواب** به هر حال توبه واجب است **افاده** بعض مضامین از سوانح وقت سعید بسلسله تحریر میشود مخفی نماند که لعن و تبرای لسانی اگرچه شرط ایمانی نیست لکن در غیر محفل تقیه از عبادات است و اطعام مؤمنین هم از جمله قربات پس اگر مورد اعتراض معترض جمع میان اطعام و تبرا است جوابش آنکه جمع بین العبادتین جمع بین النقیضین نیست که مستحیل باشد و ضم عبادتی با عبادتی دیگر هرگاه به نیت تشریع نباشد مورد ایراد نمیتواند شد و اگر غرض معترض اعتراض بر وجه تخصیص است پس تخصیص غیر مسلم بلکه در مجالس عزای جناب سید الشهدا علیه السلام و بعد خوردن آب و مانند آن متعارف و چون طعام حاضری غالبا مندرج میباشد و منظور نادرین اطعام مؤمنین است و لب که مخالفین بر تزویر بطمع نان و پنیر باستراق شریک خوردن آن طعام میشوند لهذا تبرا را محک امتحان وفاق و نفاق قرار داده اند طرفه آنکه عظمای علمای اهل سنت تخصیص بعض بدعات ببعض اوقات نموده اند مانند ادخال الصلوات خیر من النوم در

دراذان صبح و شور انگیزان تخصیص بعضی عبادات مطلقه به بعض
اوقات ❊ ببین تفاوت ره از کجاست تا بکجا ❊ اما احتجاج اهل جماعت
بکریمه استخلاف برحقیت خلفای ثلثه پس از حلیه صحت عاریست زیراکه
اگر استدلال بلفظ استخلاف نمایند پس ظاهر است که خلافت مصطلحه
که اصطلاحی ست مستحدث حمل بر استخلاف بر آن درین کریمه غیر صحیح
بلکه مراد از آن مطلق تسلط مسلمین در اقطار ارض است و لیس کیف و
اگر مراد خلافت مصطلحه باشد لازم آید که جمیع مؤمنین خلیفه بحق باشند
لقوله تعالی لیستخلفنهم و لم یقل لیستخلفن منهم و استخلاف بعض دون بعض
مستلزم خلف وعد است معهذا اگر این احتجاج بر حقیت خلافت ثلثه
تمام شود حقیت خلافت یزید و مروان و سایر بنی امیه و بنی عباس
لازم آید و هو کما هو و اگر احتجاج بتمکین دین مرضی است که در عهد
خلفا مستحق گشته پس آنهم از حلیه صحت عاریست زیراکه وعده تمکین
دین مرضی در حال حیات جناب سید المرسلین صلی الله علیه و آله بصلحای
مؤمنین مخاطبین از قبل رب العالمین بوقوع آمده پس لا محاله همان
دین که در آنوقت داشتند مراد بوده باشد و آن دین اسلام

بود و پس ان الدین عند الله الاسلام و آخر آیه که یعبدوننی و لا یشرکون
بی شیئا میباشد هم بران ناص است اعتقاد بخلاف مشایخ ثلثه
خارج از دین اسلام است و داخل در حشو و زوائد سیما بنا بر مذهب
جماعتیکه خلافت را از فروع میدانند و اگر در نفس الامر دین مرضی
داخل میبود بایستی که کریمه مذکوره موجود اینمعنی میبود که وعد الله
الذین امنوا منکم انه سیحصل لهم و منهم الذی ارتضی لهم و ایضا
اگر دین مرضی همین باشد باید که در زمان جناب سید المرسلین ص
دین غیر مرضی باشد و لا یقول به قائل و توهم نشود که هرگاه دین
مرضی عبارت از محض اسلام باشد نجات کافه اهل اسلام لازم آید
لان المنجی هو الدین المرضی زیرا که مسلم نمیدارم که مطلق دین مرضی
منجی است بلکه مشروط بشروط عدیده است قال ابو الحسن الرضا ع قال الله
تعالی لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی ثم قال ع بشروطها
و انا من شروطها و قاعده ما من عام الا و قد خص که بین الفریقین مسلم
است هم مقتضای اضافه قیود و شروط است فهذا تنزیل الآیة و
ظاهرها و اما تاویلها و باطنها فکما نطقت بها الاخبار المستفیضة و

والآثار المتظافرة انما يكون فی عهد القائم علیه السلم حیث تطهر فیملأ
الارض قسطا وعدلا بعد ما ملئت جورا وظلما زیراکه تمکین تام
وارتفاع خوف وخشیه از تمام عالم وانحصار عبادت او تعالی در توحید
و بجمیع اقطار ارض چنانچه مفاد تخلیه ارض علام است الی الآن در عهد احدے
از خلفا و ملوک به منصه ظهور نرسیده وباتفاق فریقین در عهد کرامت
مهد مهدی آل محمد صلوات الله علیهم این همه امور واقع خواهد شد و هو قریب وانهم
یرونه بعیدا ونراه قریبا فانتظروا انی معکم من المنتظرین ثم نقول
تقریر آخر مراد الهی از تمکین دین تمکین فی الجمله است یا تمکین تام علے
الاول تمکین کذا فی بعد فتح مکه معظمه وما والاها متحقق گشته پس باید آن
تمکین مراد الهی بوده باشد وعلی الثانی پس ظاهر است که تمکین تام بنحوی
که مشرکی بر روی زمین باقی نماند ومؤمنین بخوف عبادت او
تعالی ننمایند نه در عهد کسے از خلفای ثلثه ونه در اعصار یکی از بنے
امیه و بنی عباس متحقق گشته بلی در عصر حضرت صاحب العصر
بمفاد روایات مستفیضه فریقین متحقق خواهد شد انشاء الله تعالے
و بوجه دیگر میگوئیم مفاد به وفا بوعده در مواعید غیر موقته لازم است

بانه علی الاول مقصود از تمکین موعود همان فتح مکه و غیرها خواهد
بود که در عهد حضرت مقدس نبوی صلی الله علیه و آله بمنصهٔ ظهور
رسیده و علی الثانی اختصاص بعهد خلفای ثلثه نخواهد داشت
بلکه از سنه ملوک دیالمه و سلاطین صفویه و فرمانروایان ایرانیه در نیز
احتمال دخل خواهد بود و بقاعده انصراف مطلق فرد کامل
احتمال وقوع تمکین موعود در عصر حضرت قائم آل محمد ارجح و الصق
خواهد بود سوال کسے از مال سنی بعنف چیزی گرفته باشد یا
سلطان باو بخشیده باشد چه صورت دارد جواب اخذ مال
بجبر و تعدی از هیچ مسلمانی جایز نیست اگرچه سنی بوده باشد و اما
مالیکه سلطان بکسی هبه نموده باشد تا وقتیکه عالم بحرمت عین آن مال
نبوده باشد حکم بحرمت آن نمیتوان نمود و در ظاهر شریعت مطهره
حلال سوال چه میفرمایند مصابیح است مرحومه علمای فرقه
ناجیه امامیه و مفتیان ملت حقه جعفریه اندرینمعنی که تحریر کلام الله
مطلقا عام از کتاب سواره عزائم و غیرها و تعلیم عقاید دینیه و خواندن
صیغ نکاح و پیش نمازی نمودن اجرت براین اعمال گرفتن

گرفتن جائز است دوم اینکه در اصطلاح اهل شرعیه اجرت گرا میگویند
سیوم اگر شخصی صیغه نکاح شخصی بلا تعیین مزدی از سابق
خواند و بعد ازین متعاقدین با اولیای آنها چیزی از نقد و جنس
بنکاح خواندن داد پس این نقد و جنس داخل اجرت است
یانه چهارم اگر امیری برای فاضل عادل علوفه بنام زد پیش نمازی
خواه بلا تقرر خدمتی معین کرد و نماز عقب او میخواند آیا این علوفه

داخل اجرت است یانه بینوا توجروا جواب

اخذ اجرت ممکنات کتاب بعد جایز و همچنین اجرت ایقاع عقد
نکاح اما تعلیم عقاید دینیه پس اگر بقدر واجب باشد اخذ اجرت بران حرام
و اگر زائد بر آن بوده باشد مانعی ندارد و در جواز اجرت بر امامت
جماعت اختلاف است و حدیث صحیح دلالت بر نهی و حرمت دارد
و اجرت بحسب اصطلاح فقه عبارتست از مزد و عوض معلوم معین
که در مقابله عمل معین در صیغه اجاره واقع شود و ضرورست از تعیین
نمودن و عمل با مدت ان فیما بین اجیر و مستاجر و محتاج بصیغه

اجاره است که بزبان غیر عربی باشد اما آنچه متعارف قدیم یا اولیای
آنها بدون تعیین عوض از قسم نذر و هدیه برای خواننده نکاح بفرستند
داخل اجرت نیست و وظیفه که بلا شرط پیش نمازی بنام کسی مقرر
شود مانع نماز خواندن پشت سر او نمیتواند شد والله اعلم

سوال

روایت عقد حضرت ام کلثوم علیها السلام بخلیفه ثانی علیه ما علیه صحیح است
یا نه و اگر صحیح است علما آن مذهب عقد مؤمنه با کافر و سنی ناجایز
فرموده اند و کفر خلیفه ثانی بنظر غصب خلافت ثابت پس یقین است
که جناب امیر علیه السلام بامر ناجایز شرع بجبر و اکراه احدی امر باقدام
آن نفرموده باشند و آنچه بجواب این مسئله میگویند که عقد مذکور باکراه
گردیده بود خاطر باین جواب مطمئن نمیگردد زیرا چه انبیا و اوصیا
هرگز باکراه کسی بامر ناجایز شرع اقدام نفرموده اند و دلیل برین
آنکه زلیخا هر چند یوسف علیه السلام را بطمع حصول غرض خود اصرار
و اکراه بمبالغه تمام نمود لیکن تمنایش از یوسف علیه السلام بحصول
نانجامید

جواب

اولا روایت تزویج حضرت ام کلثوم بدرجه
ثبوت و صحت نرسیده لهذا بعضی از اعلام علما تکذیب مفید

مفیدره و سید مرتضی علم الهدی ره انکار آن فرموده اند و کیفما کان چون
از اخبار احاد است مفید قطع و یقین نیست ثانیا بر فرض تسلیم آن عدم
جواز انکاح مؤمنه با منافق و مخالف مشروط است بعدم ضرورت شرعیه
والا فالضرورات تبیح المحظورات و مراعات جانب ضرورت در نظر شارع
اهم قال النبی صلی الله علیه و آله مخاطبا لعائشة لولا ان قومک احدثوا
عهد ابجاهلیة واخاف ان ینکر قلوبهم لامرت بالبیت هدم الی غیر ذلک
و نیز در تاریخ خمیس دیار بکری که از کتب معتمده اهل سنت است آورده
که هرگاه اکثری از مردمان بشرف اسلام مشرف شدند ابو العاص که شوهر
زینب بنت رسول خدا بود مسلمان نشد و آنحضرت بنا بر غلو بیت
وضعف اسلام اراده فسخ نکاح زینب از ابو العاص نفرمودند انتهی
محصله پس هرگاه رسول مختار ره بنا بر اضطرار و خوف شر از فسخ نکاح نفرمایند
اگر وصی بحق آنحضرت بسبب قلت اعوان و انصار و مخافت از اضرار منافقین
تا هنجار با نکاح بنت خود با کسیکه بظاهر کلمه گو باشد گو بباطن نبوده
فرماید چه جای استغراب و استبعاد باشد و قیاس ما نحن فیه بر حال حضرت
یوسف علی نبینا و علیه السلام قیاس است مع الفارق زیرا که اولا

ضرورت شرعیه برای حضرت یوسف ثابت نیست کیف اگر احتمال مضرت
از جانب امرأة عزیز در ترک ایقاع بوده مخافت قتل در صورت ایقاع
و برود آن از جانب عزیز مصر اشد و ازید بود هذا مع قطع النظر عن مخافت
العزیز المتعال علاوه آنکه مضرت محض سجن و حبس مسوغ امر غیر سائغ
کلیه نمیتواند شد و معلوم نیست که آنحضرت را در ترک آن پیش از سجن بیت
خوفی بوده باشد بخلاف خوف اشتعال نائره قتال و جدال و بربادی
النفس و اموال و اختلال درمیان دین اسلام و امثال آن از مفاسد عظام که در
ما نحن فیه مظنون و بلکه مقطوع بوده پس قیاس جناب حضرت بشیر بر
چنین مضار کثیره نمیتوان کرد و ثانیا تکالیف شرعیه باختلاف احکام
و اوقات تکالیف مختلف میباشد پس تا اینکه اباحت زنا بذات البعل
در هنگام ضرورت و همچنین مساوات آن ملت با این شریعت در این حکم
ثابت نشود قیاس مختل الاساس خواهد بود و این هر دو امر از حلیه ثبوت
عاریست علاوه بر آن اجبار و الجای محض برایقاع در جانب رجال اگر
محال نباشد لا اقل محل اشکال است چه وقوع ایقاع بدون انبعاث
قوای شهوانیه و انتعاش طبایع حیوانیه صورتی ندارد و مشاهدست که

که در هنگام مخافت و خشیت اضمحلال قوی و آلات مانع انبساط اعصاب
و عضلات میکردد پس چگونه میتواند شد که نفوس قدسیه انبیا و
اوصیا با وصف استیلای خوف و خشیت الهی مایل و راغب بارتکاب
انها میشوند اما مجرد تهدیدات پس لتسویغ آن برای منهیات
کذائیه ممنوع است و غیر مسلم هذا مع ضیق المجال و توزیع البال المانع
من تفصیل هذا الاجمال والله الهادی الی الصواب فی کل حال سوال
چه قول العلما ادام الله سعیه که زید بزنی زنا کرد و آنزن از شخص دیگر دختری
دارد پس زید خواهد که بدختر مزنیه نکاح کند جائز است یا نه جواب
نزد اکثر از علمای ما جایز نیست و بعضی از ایشان جایز
داشته اند و امام سفیان ثوری و تمام شافعیه نیز تجویز آن نموده
اند مستدلین بظاهر الکتاب و حسبهم کتاب الله چون احتیاط در
مقدمات فروج اهم است اجتناب از آن لازم و متحتم و داود از علمای
سنیان قائل شده بحلت نکاح ربیبه که در حجر منکوحه نباشد و بعضی
از روایات ایشان نیز دلالت بر آن وارد و سائر اهل اسلام نیز خلاف
آن اجماع نموده اند والله یعلم سوال چه میفرمایند علمای دین

قوله تعالی احل لکم لیلة الصیام الرفث الی نسائکم هرآن جزء شب را که
فرض میکنیم درآن جزء حلت جماع بحکم نص میآید پس بضرورت حلت
غسل در یوم شد بینوا توجروا **جواب** اگر در هر جزء
شب از اول تا آخر حلت جماع ازین نص مستفاد شود و مراد باشد
پس لازم می آید که وجوب نماز مغرب و عشا نیز ساقط شود زیرا که
هرآن جزء شب را از اوقات مغرب و عشا که فرض میکنیم درآن جزء
حلت جماع بحکم نص کما هو مزعوم السائل میآید پس بنا بر زعم سائل نماز
هم واجب نباشد چنانچه غسل جنابت را واجب ندانسته فما هو جوابه
فهو جوابنا علاوه آنکه اگر قران مجید در جمیع احکام برای سائر خلق کافی
میبود چرا احتیاج بحدیث نبوی و دیگر ادلهٔ شرعیه متحقق میشد و
معلوم است که اکثر احکام مثل عدد رکعات فرائض یومیه و نظایر
آن در ظواهر قران مجید مبین نشده بالجمله بمقتضای حدیث متفق
علیه انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی لن یفترقا
حتی یردا علی الحوض جمیع خلق مامور اند به متابعت قران مجید
و اهل بیت طاهرین ص که عالم بعلوم قران اند و از اکثر احادیث

احادیث است متفاد میشود که جواز مباشرت مقید نیست مطلق پس مباح
خواهد بود تا هنگامیکه از شب بمقدار ادای غسل وقت باقی باشد
طرفه انکه بنا برزعم سائل حلت تراویح وکیفما کان از مستغنی عنها
محل تعجب نیست عجب است از قائل حسبنا کتاب الله که مبتدع
تراویح گشت حالانکه در قرآن هیچ یاد کری از ان نیست پس حسبنا
کتاب الله یعنی چه **سؤال** در تحلیل ملک خود مهر و اجل هم
شرط نیست اما اگر مالک در صیغه تعیین مدتی نماید و بازای آن
عوضی معلوم برای خود مشروط سازد و محلل له قبول کند چه نسبت
و بر تقدیر صحت بعد از انقراض اجل برای محلله عده و استبرای
هست یا آنکه بهمین زمان مالکش تحلیل دیگری میتواند کرد بر شق ثانی
اختلاط میاه و تشویش انساب لازم می آید بجواب این شبهه مشرف
سازند و بر تقدیر اول تعیین مدت و کمیت آن ثبت فرمایند
جواب در صورت تعیین مدت و مبلغ از افراد متعه یا کنیز خواهد
بود و بدون انقضای عدت مالکش بدیگری تحلیل نمیتواند کرد
سؤال متعه با زنیکه از اهل خلاف و سنت و جماعت باشد

جائز است یا نه **جواب** ظاهر آنست که جائز باشد آری محل تأمل است
که زن سنیه که اعتقاد بعدم جواز متعه داشته آیمه میشود **سوال**
چه میفرمایند اندرینصورت که زنی یا مردی از قوم گیلانی یعنی اولاد
عبدالقادر المعروف بدستگیر است بسبب مذهب آبای سابق سنی
بود و بعد عمر دوازده و چهارده سالگی بسبب صحبت بعضی اقربا تشیع
و مذهب شیعه اختیار نمود و صوم و صلوة مطابق مذهب حقه میکند
و خلفای جور را لعن میکند مگر در لعن گفتن بر عبدالقادر و بعضی مشاهیر
صوفیه و در تخلیه و بغیر محل تقیه هم تأمل میکند و لعنت بر جیلانی و اهل
آنفرقه نمی کند و بمقابل معلم مذهب آن تشیع در فرقه اثنا عشریه هم بد
و زبان لعن نمیسازد و بسبب آن نسبت که بزعم خود او را سید صحیح النسب
میداند در تبرا کردن خاموشی و تأمل میکند و پیشوایان اهل تصوف
ملعون نمیداند و تبرا نمیکند و بیزاری از عبدالقادر و امثال او را
جزو مذهب تشیع نمیداند و مستحق لعن نمیفهمد و عند الاستفسار
اصرار در لعن آنفرقه بجواب میگوید که تشیع موقوف بر لعن گفتن
بزبان و مستحق لعن فهمیدن بر عبدالقادر و اضراب و امثال او نیست

نیست آیا چنین مرد و زنرا شیعه مینوانگفت و فاسد العقیده باید
فهمید یا خالص الاعتقاد و خلل و نقص در مذهب تشیع ازین عمل می
شود و در روز جزا که بعد مردن اعتقاد و عمل بمحک امتحان سنجیده
و برسیده خواهد شد باز پرس و مواخذه باین امور خواهد شد و چنین
کسانرا شیعه و پیرو اهل بیت طاهرین باید دانست یا نه **جواب**
اگر باوصف علم بفساد اعتقاد جیلانی وغیره بمجرد انکار استحقاق
لعن میکند از تشیع خارج است و اگر انکار استحقاق لعن ندارد
لکن بسبب قرابت وغیر آن بزبان خود لعن نمیکند چون تلفظ به
لعن واجب نیست بمجرد انکار از تلفظ بلعن باوصف اقرار باستحقاق
لعن حکم بخروج از تشیع مشکلست بالجمله فساد اعتقاد و شناعت
اقوال و وقاحت افعال جیلانی و دیگر صوفیه از کتب شان ثابت
است و احادیث در مذمت صوفیه و لعن و طعن ایشان بسیار
وارد اند و شکی نیست درین که جیلانی سنی و صوفی بوده است
پس مورد لعن و طعن خواهد بود پس کسیکه اطلاع بر اینحال نداشته
باشد باید که رجوع بکتب و احادیث نماید که اشتباه او زایل گردد

اعلان

ظاہر ہی کہ رسالہ ماہوار بایں غرض جاری ہوا تہا کہ حضرات مومنین کو فایدہ دینی
حاصل ہو اور کار پردازان مطبع کیطرف ہی کسی نوع کی زیر باری عاید نہو مگر
اکثر حضرات نی صرف اپنا فائدہ ملحوظ رکہا نقصان مطبع کا کچہہ خیال نکیا یعنی رسایل
ماہوار بابت ایکسال کے قائم خدمت ہوئی اور مطالبہ زر قیمت بکرات و مرات
عمل میں آیا مگر اکثر صاحبوں نے بعد منقضی ہونی میعاد کے بہی عطای ثمن
کیطرف مطلق توجہ نفرمائی تا آنکہ حسب منشای اشتہار مجریہ ماہ جنوری
و فروری سنہ الیہ سبیل اجرای رسالہ ماہوار مسدود ہو گئی حضرات
نادہندہ اطمینان خاطر فرمائیں کہ آیندہ انکو خریدی رسایل کے ہرگز
تکلیف نہوگی البتہ جو مطبع ہوگا مبلغ چہہ روپیہ بابت رسالہ ہای
سالتمام حساب بعد وصول کرلیں گے اور پہر کبہی بدون وصول
قیمت مطبع سی کوئی کتاب کسیکی نام روانہ نکرینگے مگر چونکہ علت
غائی اور غرض اصلی اجرای مطبع ہذا سے تشئید مبانی اسلام اور
ترویج مسائل دین حضرت خیر الانام ہی لہذا علاوہ کتب مستطاب

مستطاب استقصاء الافحام جواب منتہی الکلام کی ہمیشہ کتب دینیہ و رسائل
مسائل طریقہ حقہ اثنا عشریہ یہان طبع ہوتی رہین گی اور حال اونکا
بذریعہ اشتہار مندرجہ اخبار واضح خواطر ناظرین والا تبار ہوتا رہیگا
بلکہ تا یکماہ کامل مطالبہ قیمت رسائل سے بہی بوسیلہ اخبار عمل مین آئیگا —
من بعد اگر کاربردازان مطبع سے کوئی امر خلاف مرضی ظاہر ہو تو
حضرات بادہند کو کسیطرح جای شکایت نہین اور اگر میعاد معین مین
براہ عنایت عطای زر ثمن کیطرف ملتفت ہونگی تو راقم آثم کو کمال
درجہ مرہون منت فرماینگے ۔ لکن یاد رہی کہ اب ہم بعد وصول
مبالغ بہی اجرای رسالہ ماہوار کا کبہی ذمہ نکرینگے — فی الحال کچہ
اور مطالب ضروریہ ذیل اشتہار مین درج کیے جاتی ہین بمصداق ع
یک دیدن از برای ندیدن بود ضرور ۲ ایک نظر اول سے آخر
تک ملاحظہ فرمالین کہ یہہ مطالب اکثر اوقات بکار آمد ہونگی ۔ ۔

اشتہار

پوشیدہ نرہے کہ کتاب مستطاب استقصاء الافحام و استیفاء الانتقام
فی نقض منتہی الکلام بنظر تائید مذہب حقہ حضرات ائمہ معصومین علیہم السلام

وکسر اعناق معاندین لئام برابر چہپ ہی ہے قیمت اس مجلد ضخیم
کی فی صد صفحہ دو روپیہ مع محصول ڈاک مقرر ہی ۔ چنانچہ جن
صاحبون نے چہہ روپیہ پیشگی ارسال مطبع فرمائی تہی دو سو صفحہ
چہپکر اونکی خدمت مین مرسل ہوی اور انشاء اللہ مائۃ ثالثہ بہی
کہ آٹہہ دس روز مین کامل ہوا چاہتا ہی بفور تمام ارسال کیا
جائیگا ۔ پس جن حضرات کو خریداری اس کتاب مبسوط کے
مدنظر ہو قیمت قدر مطبوع پیشگی مرحمت فرمائین اوراق اوسی
حساب سی فائز خدمت ہونگی اور جو شائقین دو دو سو صفحی طلب
فرما چکی ہین ۔ چاہیئے کہ اب دو روپیہ بابت مائۃ ثالثہ کی بہی
لطف فرمائین تاکہ بعد طبع ارسال صفحات مین تاخیر ہونی نپائی

۲ کتب مفصلہ ذیل یہان معرض بیع مین ہین جنکو خریداری منظور ہو
قیمت بہیجکر طلب فرمائین ۱ تحفۃ المتقین حسب فتاوی و مرجحات جناب
مجتہد العصر دامت برکاتہم قیمت ۱۲ محصول ۱ رسالہ مجموعہ فتاوی ضروریہ
فقہیہ قیمت ۱۲ محصول ۱ رسالہ آیات القدس فی اثبات الخمس الملقب
بمدارک العقول فی اثبات الخمس لآل الرسول قیمت ۱۲ محصول ۱ رسالہ

رسالہ امامت از وجیزہ جناب سحبان زمان سحبان الخلیفہ ان مرحوم قیمت
۲ ار محصول ار رسالہ ہدیۃ المؤمنین و ہدایۃ المسلمین در بحث امامت از مصنفات
جناب سید لنا سید حافظ نقی علیہ صاحب قیمت ۲ ار محصول ار رسالہ ازالۃ الاوہام
فی البکاء علی الامام الہمام ۲ و نقل التعازیہ و الاعلام قیمت ۶ ار محصول ار
یہہ رسائل ابتدا ایک سال کے طبع ہو کر شائقین رسائل کے خدمت میں
مرسل ہوئی - اور علاوہ بر آن جو کتابیں کہ چھپ چکی ہیں
یا چھپ رہی ہیں یا چھپنے والی ہیں فہرست انکی ذیل میں درج ہی *
زمرد اخضر و یاقوت احمر مجلد نسخہ جلد دو روپیہ استقصاء الافحام ر ۸
منتہی الکلام فی صد صفحہ ۶ خلاصۃ المصائب کہ چھپنی شروع ہو گئی
ہی قبل از اختتام ... ر و مابعد ... ر کتاب قرابادین کہ چھپنے والی ہی
قیمت قبل از طبع ... ر بعد طبع ... ر قرار پائی ہے ۴۰ چاہئی کہ
سب صاحب قیمت نقد بذریعہ بل یا ہنڈوی کے عنایت فرمائیں اور
اگر ہنڈوی لودیانہ پر ممکن نہو تو لاہور یا امرتسر یا جالندر یا لکھنؤ کی
حاصل کر کے لطف فرمائیں اور بہ رجوع ناچاری ٹکٹ ایک
ایک آنہ یا آدہ ادہ آنہ کے مرحمت ہوں + تم جو صاحب کتب

مندرجہ بالا میث سے بلحاظ تجارت یا بنظر تقسیم پچیس نسخون سے
زیادہ خرید فرماوینگی تو ان نسخون سے صدی دس روپیہ کے
تخفیف ہو جائیگی ۴ اخبار مجمع البحرین جن صاحب کے
خدمت مین نہین پونہچتا وہ بنظر تائید مطبع درخواست بہیجکر پرچہ
طلب فرمائین کہ قطع نظر اطلاع اخبار دیار و امصار کے کیفیت
مطبع و تفصیل کتب مطبوعہ دینیہ بہی معلوم ہوتی رہیگی
اور اگر شوق مطالعہ اخبار نہین تو بعد مہینہ دو مہینہ کے
پیڈ خط بہیجکر مفصل حال دریافت
فرمالیا کرین فقط

تم تم تمام شد